

هدف کلی: توانایی تبیین دلایل امکان و ضرورت معاد

اهداف آموزشی

ضرورت توجه به پیام پیامبران درباره آینده انسان
آشنایی با بحث امکان معاد و بیان دلایل آن
آشنایی با ضرورت معاد و بیان دلایل آن
توانایی پاسخ به برخی اشکالات درباره معاد

طراح: **مجتبی محمودی**
دبیر دین و زندگی شهرستان ایذه
سال تحصیلی: ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹



آینده روشن

درس پنجم



1- پیامبران الهی مرگ را چگونه می دانند و چه چیزهایی را سرلوحه دعوت خود قرار داده اند؟

در درس قبل با دیدگاه پیامبران و مؤمنان درباره مرگ و آینده انسان آشنا شدیم. (پیامبران الهی، مرگ را گذرگاهی به سوی حیات برتر در جهان آخرت می دانند و ایمان به زندگی در جهان دیگر را، در کنار توحید و یکتاپرستی سرلوحه دعوت خود قرار داده اند)

در مقابل دعوت پیامبران برای ایمان به جهان آخرت، گروهی به آن ایمان آورده و گروهی آن را بعید دانسته و انکار کرده اند.

آیا پیامبران الهی، نه تنها امکان وجود جهان دیگر را اثبات می کردند، بلکه با استدلال های مختلف وجود آن را ضروری می دانستند.

به راستی پیامبران الهی، با چه دلایلی امکان معاد را اثبات می کردند؟
با چه استدلال هایی ضرورت معاد را تبیین می نمودند؟

نکته

سوال

1- « دفع خطر احتمالی، لازم است. » چگونه قاعده ای است؟ قاعده عقلی

2- قانون عقلی: « دفع خطر احتمالی، لازم است » را با مثال توضیح دهید؟

اهمیت و ضرورت بحث از معاد

قبل از اینکه به بحث درباره جهان پس از مرگ بپردازیم، بهتر است به این سؤال پاسخ دهیم که ضرورت بحث از معاد چیست؟ آیا بهتر نیست به موضوعاتی بپردازیم که برای زندگی ما مفید باشد؟ برای اثبات اهمیت و ضرورت تأمل در موضوع معاد، تنها به یک دلیل بسنده می‌کنیم:

3- عاقل ترین و راست گوترین مردمان در طول تاریخ چه کسانی بوده اند؟ پیامبران

4- چه کسانی با قاطعیت کامل از وقوع معاد خبر و نسبت به آن هشدار داده اند؟ پیامبران

دفع خطر احتمالی

2 (نگاهی کوتاه به زندگی روزمره انسان‌ها نشان می‌دهد که انسان در مواقعی که احتمال خطری یا خسارتی در میان باشد، سعی می‌کند جلوی خسارت احتمالی را بگیرد و از خطری که ممکن است پیش آید، بگریزد. در چنین شرایطی حتی اگر شخصی دیوانه یا دروغ‌گو، که در شرایط عادی گفته او برای ما اعتباری ندارد، به ما خبری بدهد؛ مثلاً خبر از وجود سم در غذای ما دهد، این اعلام خطر را نادیده نمی‌گیریم و احتیاط می‌کنیم. همه ما در این گونه موارد از یک قانون عقلی پیروی می‌کنیم که می‌گوید: «دفع خطر احتمالی، لازم است.» حال اگر با خبری مواجه شویم که نه تنها احتمالی نیست، بلکه از قطعی‌ترین خبرهاست، با آن چگونه برخورد می‌کنیم؟ آن هم خبری که درباره زندگی جاودانی ماست.

پیامبران عاقل‌ترین و راست‌گوترین مردمان در طول تاریخ بوده‌اند. به‌عنوان مثال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را حتی مشرکین و کافرین نیز به‌عنوان فردی امین و راستگو باور داشتند. پیامبران با قاطعیت کامل از وقوع معاد خبر و نسبت به آن هشدار داده‌اند. همه آنان پس از ایمان به خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده‌اند و آن را لازمه ایمان به خدا دانسته‌اند. در قرآن کریم نیز بعد از یکتاپرستی، درباره هیچ موضوعی به اندازه معاد سخن گفته نشده است.

اگر به فرض در اثبات معاد، هیچ دلیلی جز همین خبر پیامبران نداشته باشیم، تکلیف ما در برابر این خبر چیست؟ ما که برای فرار از خطرهای کوچک احتمالی، سخن هر کسی را می‌پذیریم، چگونه می‌توانیم وقتی که پای سعادت یا شقاوت ابدی ما در میان است، با بی‌توجهی از کنار این خبر بگذریم؟

چرا سخن گفتن از معاد، در حقیقت سخن گفتن از زندگی است؟ (زیرا معاد بخشی از زندگی آینده ماست، زندگی ای که برخلاف زندگانی دنیا که کوتاه و گذراست، جاوید و ابدی خواهد بود)

سوال

قرآن کریم با تأکید فراوان اعلام می‌کند:

پیام‌های آیه

لازمه ایمان به خدا، اعتقاد به معاد است
وقوع معاد، امری حتمی است
وجود معاد، امری انکارناپذیر است

خداوند که هیچ خدایی جز او نیست

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

قطعاً شما را در روز قیامت جمع می‌کند

لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

شکی در آن نیست

لَا رَيْبَ فِيهِ

و چه کسی راستگوتر از خداست؟

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا

این ابیات هم اشاره به قانون عقلی، دفع خطر احتمالی لازم است می کنند و هم به اینکه پیامبران عاقل ترین و راست گوترین مردمان در طول تاریخ بوده اند

شالی کوبت ظاهر، بیندیش کسی را هست جامی پر عمل پیش
 اگر طفلی بدو کوبید بیارام که زیر این عمل زهر است در جام
 چو از طفل آن سخن دارد شنیده بلا شک دست از آن دارد کشیده
 تو را پندین بیبر کرده آگاه که خواهد بود کاری صعب بر راه
 به گفت طفل جتی راه پر هیز به گفت انبیا از خواب بر خیز

فعالیت کلاسی

برخی از افرادی که پایبندی چندانی به رعایت احکام دین ندارند، می گویند: «ما به وجود این مجازات هایی که گفته می شود در قیامت و جهنم هست، اعتقادی نداریم».

2- استدلال های قران کریم برای اثبات وقوع قیامت به چند دسته اصلی تقسیم می شوند؟ توضیح دهید؟

شما به این گونه افراد چه پاسخی می دهید؟

1- آیا قران کریم، تنها به خبر دادن از « آخرت » قناعت کرده است؟

با توجه به اهمیت بحث معاد¹ قران کریم تنها به خبر دادن از آخرت قناعت نکرده، بلکه بارها با دلیل و برهان آن را ثابت کرده است² دلایل³ قران در این زمینه را می توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد. دسته اول دلایلی هستند که «امکان» معاد را ثابت می کنند و آن را امری ممکن و شدنی نشان می دهند و دسته دیگر، دلایلی هستند که «ضرورت» معاد را به اثبات می رسانند و تحقق آن را لازم می دانند.⁴

الف) دلایلی که بر امکان معاد دلالت دارند :

یکی از دلایلی که سبب می شود عده ای معاد را انکار کنند¹ این است که چنان واقعه بزرگ و با عظمتی را با قدرت محدود خود می سنجد و هنگامی که تحقق آن را با قدرت بشری ناممکن می بینند، به انکار آن می پردازند. حال آنکه بعید بودن چیزی برای انسان هرگز دلیل بر غیرممکن بودن آن نیست² از این رو، قران یکی از انگیزه های انکار معاد را نشناختن قدرت خدا معرفی می کند و دلایل و شواهد زیادی می آورد تا نشان دهد معاد امری ممکن و شدنی است و خداوند بر انجام آن تواناست³ مانند :

1- آفرینش نخستین انسان (در برخی آیات قران، خداوند توجه منکران معاد را به پیدایش نخستین انسان جلب می کند و توانایی خود در آفرینش وی را تذکر می دهد. در این آیات بیان می شود که همان گونه که خداوند قادر است انسان را در آغاز خلق کند، می تواند بار دیگر نیز او را زنده کند)⁴ توضیح 1

3- قران کریم، یکی از انگیزه های انکار معاد را چه چیزی معرفی کرده است و چرا دلایل و شواهد بر اثبات آن می آورد؟

4- دلایلی که بر امکان معاد دلالت دارند را نام ببرید و هر کدام را توضیح دهید؟

1- عطار نیشابوری، اسرارنامه

- 1- آفرینش نخستین انسان
- 2- بیان نمونه هایی از زنده شدن مردگان
- 3- اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت

نکته ← این عبارت به یکی از دلایل امکانی معاد، آفرینش نخستین انسان اشاره می کند

«و برای ما مثلی زد، درحالی که آفرینش نخستین خود را فراموش کرده بود، گفت: کیست که این استخوان های پوسیده را دوباره زنده کند؟ بگو همان خدایی که آنها را برای نخستین بار آفرید و او به هر خلقتی داناست.»^۱

۲- بیان نمونه هایی از زنده شدن مردگان (قرآن برای اینکه قدرت خدا را به صورت محسوس تری در این زمینه نشان دهد، ماجراهایی را نقل می کند که در آنها به اراده خداوند مردگانی زنده شده اند. از آن جمله می توان به ماجرای عزیر نبی عزیر اشاره کرد:

عزیر یکی از پیامبران بنی اسرائیل بود. او در سفری از کنار روستای ویرانی عبور می کرد. استخوان های متلاشی و پوسیده ساکنان آن روستا از لابه لای خرابه ها پیدا بود. با دیدن این استخوان ها این سؤال در ذهن عزیر عزیر شکل گرفت که به راستی خداوند چگونه اینها را پس از مرگ زنده می کند؟ خداوند، جان وی را در همان دم گرفت و بعد از گذشت صد سال دوباره او را زنده کرد. سپس خطاب به او گفت:

ای عزیر، چه مدت در این بیابان توقف کرده ای؟
عزیر گفت: یک روز یا نصف روز.

خداوند فرمود: تو صد سال است که اینجا هستی. به الاغی که سوارش بودی و غذایی که همراه داشتی، نگاه کن و ببین چگونه الاغ پوسیده و متلاشی شده؛ اما غذایت پس از صدسال سالم مانده و فاسد نشده است و اینک ببین که خداوند چگونه اعضای پوسیده و متلاشی شده الاغ را دوباره جمع آوری و زنده می کند.
عزیر عزیر به چشم خود زنده شدن الاغ را دید و گفت: می دانم که خدا بر هر کاری توانا است.^۲

توضیح مورد ۲ به صورت خلاصه بیان شود

تدبیر

خداوند در آیات سوم و چهارم قیامت، خطاب به کسانی که به انکار معاد می پردازند، می گوید: «نه تنها استخوان های آنها را به حالت اول درمی آوریم، بلکه سرانگشتان آنها را نیز همان گونه که بوده، مجدداً خلق می کنیم.»

به نظر شما چرا خداوند در این آیات برای اثبات قدرت الهی به خلق سرانگشتان اشاره می کند؟
زیرا خطوط سرانگشتان هر فرد به علت ظرافت و دقتی که دارند، منحصر به خود اوست. حال اگر کسی بتواند بعد از متلاشی شدن کامل جسم انسان، این خطوط را با حفظ تمام ظرافت ها و پیچیدگی هایش مجدداً بازسازی نماید بگونه ای که خطوط سرانگشتان هر شخص همان باشد که در دنیا بوده است، چنین کسی قدرت آن را دارد که خود انسان را نیز بعد از مرگ دوباره زنده کند

۱- با توجه به داستان عزیر نبی به سوالات زیر پاسخ دهید؟

عزیر پیامبر کدام قوم بود؟ بنی اسرائیل
داستان عزیر نبی درباره امکان معاد است یا ضرورت آن؟ امکان معاد
موضوع داستان عزیر نبی چیست؟ اشاره به نمونه هایی از زنده شدن مردگان است

۱- سوره یس، آیات ۷۸ و ۷۹
۲- سوره بقره، آیه ۲۵۹

1- دلایلی که بر ضرورت معاد دلالت دارند را نام ببرید و هر کدام را توضیح دهید؟
 ← معاد لازمه حکمت الهی
 ← معاد لازمه عدل الهی



۳- اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت (در برخی آیات قرآن، زندگی بعد از مرگ به عنوان یک جریان رایج در جهان طبیعت معرفی شده است و از کسانی که با ناباوری به معاد نگاه می‌کنند می‌خواهد تا به مطالعه جریان همیشگی مرگ و زندگی در طبیعت بپردازند تا مسئله معاد را بهتر درک کنند. فرارسیدن بهار، رستاخیز طبیعت

این جمله اشاره به یکی از دلایل امکانی معاد یعنی، نظام مرگ و زندگی در طبیعت می‌کند

توضیح ۳ نکته

«خداست که با دها را می‌فرستد تا ابر را برانگیزند. سپس آن ابر را به سوی سرزمینی مرده برانیم و آن زمین مرده را بدان [وسيله] پس از مرگش زندگی بخشیدیم. زنده شدن قیامت نیز همین گونه است»^۱

ب) دلایلی که بر ضرورت معاد دلالت دارند: 2- آیا قرآن کریم، فقط امکان معاد را قبول دارد؟ توضیح دهید

خیر، قرآن نه تنها معاد را امری ممکن می‌داند، بلکه وقوع آن را نیز امری ضروری و واقع نشدن آن را امری محال و ناروا معرفی می‌کند. دلایلی که قرآن در بحث ضرورت معاد بیان کرده است، عبارت‌اند از:

۳- معاد لازمه حکمت الهی (خداوند حکیم است و لازمه حکمت خدا این است که هیچ کاری از کارهای او بیهوده و عبث نباشد)^۳ اگر خداوند تمایلات و گرایش‌هایی را در درون انسان قرار داده، امکانات پاسخگویی به آن تمایلات و نیازها را نیز در عالم خارج قرار داده است؛ به طور مثال، در مقابل احساس تشنگی و گرسنگی، آب و غذا را آفریده است تا بتوانیم به وسیله آن تشنگی و گرسنگی خود را برطرف کنیم (حال اگر به وجود آدمی توجه کنیم، می‌بینیم که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که گرایش به بقا و جاودانگی دارد و از نابودی گریزان است و بسیاری از کارها را برای حفظ بقای خود انجام می‌دهد. همچنین هر انسانی خواستار همه کمالات و زیبایی‌هاست و این خواستن هیچ حدی ندارد)^۵

3- لازمه حکمت خداوند چیست؟

۶) اما دنیا و عمر محدود انسان‌ها پاسخ‌گوی این گونه خواسته‌ها نیست؛ بنابراین باید جای دیگری باشد که انسان به خواسته‌هایش برسد. اگر بعد از این دنیا، زندگی‌ای نباشد، در این صورت باید گفت خداوند گرایش به زندگی جاوید را در وجود انسان قرار داده است و سپس او را در حالی که مشتاق حیات ابدی است، نابود می‌کند! آیا این کار با حکمت خداوند سازگار است؟^۶

علاوه بر این، اگر بناسد با این همه استعدادها و سرمایه‌های مختلفی که خداوند در وجود ما قرار داده است، خاک شویم و معادی هم نباشد، این سؤال مطرح می‌شود که دلیل آفریدن این استعدادها و

- ۱- سورة فاطر، آیه ۹
 4- آیا خداوند، فقط تمایلات و گرایش‌هایی را در وجود انسان قرار داده است؟ مثال بزنید؟ خیر
 5- چرا هر انسانی از نابودی، گریزان است؟
 6- آیا دنیای کنونی، پاسخگویی بقا و جاودانگی و کمالات نامحدود است؟ توضیح دهید؟

این آیه ضرورت معاد را در پرتو حکمت الهی بیان می کند
خلقت انسان، عبث و بیهوده نیست
انسان به سوی خدا بازگشت می کند
بازگشت به سوی خدا، هدف خلقت انسان است

پیام های آیه

سرمایه ها در درون ما چه بوده است؟ ما که از همان ابتدا خاک بودیم، پس دلیل این آمدن و رفتن چه

۱- ضرورت معاد بر اساس « عدل الهی » را توضیح دهید؟

بود؟ آیا بر این اساس، آفرینش انسان و جهان، بی هدف و عبث نخواهد بود؟

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ^۱

ترجمه: آیا پنداشته اید که شما را بیهوده و عبث آفریده ایم و اینکه به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟

۲- معاد لازمة عدل الهی (عدل یکی از صفات الهی است. خداوند عادل است و نیکو کاران را

با بدکاران برابر قرار نمی دهد؛ از این رو، خداوند وعده داده است که هر کس را به آنچه استحقاق دارد

۲- چرا زندگی انسان در دنیا به گونه ای است که امکان تحقق « عدالت الهی را به طور کامل را نمی دهد؟ به صورت خلاصه توضیح دهید

برساند و حق کسی را ضایع نکند) ^۱

اما زندگی انسان در دنیا به گونه ای است که امکان تحقق این وعده را نمی دهد؛ زیرا :

۲ { الف } در این عالم همه به پاداش یا کیفر تمام اعمال خود نمی رسند. به عنوان نمونه، چه بسیار افرادی که کارهای نیک فراوانی دارند و به جمع زیادی از انسان ها خدمت کرده اند و نیز چه بسیار کسانی که در دوران عمر خود از هیچ جنایت و خیانتی فروگذار نمی کنند، اما قبل از آنکه به پاداش و یا سزای اعمال خود برسند، چشم از جهان فرو می بندند.

ب) این جهان ظرفیت جزا و پاداش کامل انسان ها را ندارد. به عنوان نمونه، چگونه می توان پاداش بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا را در این دنیا داد؟ و یا چگونه می توان در این جهان کسی را که به هزاران نفر ستم روا داشته و یا صدها نفر را قتل عام کرده است، کیفر داد؟ به عنوان مثال اعدام کسی چون صدام و حامیان وی به هیچ عنوان با جرم شهید کردن صدها هزار انسان بی گناه، و معلول و شیمیایی کردن هزاران جانباز برابری نمی کند.

اگر جهان دیگری نباشد، که ظالم را به مجازات واقعی اش برساند و حق مظلوم را بستاند، بر نظام عادلانه خداوند ایراد وارد می شود. ^۲

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا

آیا ما آنها را که ایمان آورده

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

و کارهای شایسته انجام داده اند

كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ

با مفسدان در زمین یکسان قرار خواهیم داد؟

أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ

آیا متقین را مانند ناپاکان و بدکاران قرار

خواهیم داد؟^۲

پیام های آیه

این آیه ضرورت معاد را در پرتو عدل الهی بیان نمود معاد به معنی یکسان بودن سرانجام انسان های صالح و ناصالح است خداوند عادل است

۱- سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵

۲- سوره ص، آیه ۲۸

با اندیشه در ترجمه آیات زیر، برخی دیگر از دلایل انکار معاد را بیان کنید.

■ آنان (دوزخیان) پیش از این (در عالم دنیا) مست و مغرور نعمت بودند و بر گناهان بزرگ اصرار می کردند و می گفتند: «هنگامی که ما مردیم و خاک و استخوان شدیم، آیا برانگیخته خواهیم شد؟!»

سوره واقعه، آیات ۴۷-۴۵

■ وای در آن روز بر تکذیب کنندگان، همان ها که روز جزا را انکار می کنند. تنها کسی آن را انکار می کند که متجاوز و گناهکار است.

سوره مطففین، آیات ۱۲-۱۰

■ (انسان در وجود معاد شک ندارد) بلکه [علت انکارش این است که] او می خواهد بدون ترس از دادگاه قیامت، در تمام عمر گناه کند.

سوره قیامت، آیه ۵

خوش گذرانی، اصرار بر تخلف از فرامین الهی، ستمگری و گناه کاری

شک در معاد برای خود و دیگران، میل دائمی به گناه

کی رفته و کی برگشته؟!

برای برخی هر قدر هم از دلایل عقلی اثبات معاد، آیات قرآن و سخنان پیشوایان دین در خصوص جهان آخرت گفته شود، می گویند: «چه کسی از آن جهان برگشته که خبر آورده باشد؟» به این گونه افراد چه باید گفت؟

پاسخ: برخی رانندگان هنگام مسافرت، به توصیه پلیس درباره خطرات جاده و لزوم همراه داشتن وسایل ضروری توجه می کنند و وسایلی را که احتمال می دهند در جاده مورد نیازشان باشد، همراه خود برمی دارند (مانند زنجیر چرخ، جک، چرخ اضافه، چراغ سیار و...). بعضی

از رانندگان نیز بی‌اعتنا به توصیه‌های پلیس و گاه با تمسخر آنها به جاده می‌زنند. در هر صورت یا نیازی به این وسایل پیش می‌آید یا پیش نمی‌آید. اگر نیازی نبود (که البته با توجه به علم و آگاهی پلیس راهنمایی و رانندگی و توصیه‌ها و هشدارهای آنان قطعاً نیاز خواهد شد)، راننده‌ای که این وسایل را همراه داشته است، ضرری نکرده است؛ اما اگر به آن وسایل نیاز شد، کسی که آنها را بر نداشته است، در وسط جاده چه خواهد کرد؟

شرط عقل آن است که انسان نسبت به حوادث، حتی اگر احتمال کمی برای رخ دادن آن وجود داشته باشد، پیش‌بینی لازم را بکند، چه رسد به حوادثی که یقینی باشند.

پیامبران از حساب و کتاب پس از مرگ در قیامت خبرهایی داده‌اند و بر این اساس برنامه و دستوراتی نیز برای عبور آسان و موفق از این جهان در اختیار ما گذاشته‌اند. گروهی این خبرها را پذیرفته و گروهی منکر شده‌اند. کسانی که پذیرفته‌اند در شبانه‌روز دقایقی با خدا گفت‌وگو می‌کنند؛ نماز می‌خوانند؛ در سال یک ماه روزه می‌گیرند؛ از انجام برخی کارها که ضررش به خود انسان برمی‌گردد (مانند نوشیدن مشروبات الکلی، خوردن گوشت خوک و مصرف مواد مخدر) خودداری می‌کنند. حال بر فرض که قیامت و حساب و کتابی در کار نباشد، این افراد ضرری نکرده‌اند و چیزی را از دست نداده‌اند؛ اما اگر حساب و کتابی باشد (که با دلایلی که ذکر شد، حتمی است) افرادی که به سخن خدا و پیام انبیا توجه نکردند، چه خواهند کرد؟ آنها زندگانی ابدی و جاوید در آخرت را به هفتاد سال عمر دنیوی فروخته‌اند.

پس عاقل کسی است که حتی اگر یقین به قیامت ندارد، خود را آماده‌ٔ آخرت کند و هشدارهای انبیا را جدی بگیرد.

امام رضا علیه السلام در گفت‌وگو با یکی از منکران معاد به او فرمود: «اگر نظر شما درست باشد - که چنین نیست - در این صورت ما و شما یکسان و برابریم؛ و نماز، روزه، عقیده و ایمان ما ضرر و زبانی به ما نمی‌رساند. ولی اگر حق با ما باشد - که چنین هست - در این صورت ما رستگار و سعادت‌مند می‌شویم؛ اما شما زیان کار شده، هلاک خواهید شد.»^۱

2- ما که برای فرار از خطرهای کوچک احتمالی، سخن هر کسی را میپذیریم، چگونه میتوانیم وقتی که پای سعادت یا شقاوت ابدی ما در میان است، با بی توجهی از کنار این خبر بگذریم

اندیشه و تحقیق
کارهای نیک
جهاد در راه خدا
شهادت در راه خدا
هدایت مردم به راه راست
گناهان
کشتن اینسان های بی گناه
خودکشی
گمراه ساختن مردم

- تعدادی از کارهای نیک و تعدادی از گناهان را که در این دنیا قابل پاداش و مجازات نباشند، ذکر کنید.
 - اگر در بحث وجود معاد، دلیلی جز خبر پیامبران نداشتید، آیا آن را می پذیرفتید؟ به چه دلیل؟ بله
 - رابطه میان «آفرینش استعدادها و سرمایه های مختلف در وجود انسان» و «ضرورت معاد» را توضیح دهید.
- اگر بناست با این همه استعدادها و سرمایه های مختلفی که خداوند در وجود ما قرار داده است، خاک شویم و معادی هم نباشد، این سؤال مطرح میشود که دلیل آفرینش این استعدادها و سرمایه ها در درون ما چه بوده است؟ ما که از همان ابتدا خاک بودیم، پس دلیل این آمدن و رفتن چه بود؟ آیا بر این اساس، آفرینش انسان و جهان، بی هدف و عبث نخواهد بود؟

بیشتر بدانیم



نصیحتی از حضرت علی (ع)

آگاه باشید! هم اکنون در روزگار آرزوهایید که مرگ را در پی دارد؛ پس هر کس در ایام آرزوها، پیش از فرا رسیدن مرگ، عمل نیکو انجام دهد، بهره مند خواهد شد، و مرگ او را زبانی نمی رساند و آن کس که در روزهای آرزوها، پیش از فرا رسیدن مرگ کوتاهی کند، زیان کار و مرگ او زیان بار است.

همان گونه که به هنگام ترس و ناراحتی برای

خدا عمل می کنید، در روزگار خوشی و کامیابی نیز عمل کنید.

آگاه باشید! هرگز چیزی مانند بهشت ندیدم که خواستاران آن در خواب غفلت باشند و نه چیزی مانند آتش جهنم که فراریان آن چنین در خواب فرو رفته باشند!

نهج البلاغه، خطبه ۲۸

معرفی کتاب

مخاطب	انتشارات	نویسنده	نام کتاب
معلم	مدرسه	حسین سوزنچی	آفتاب اندیشه (ج ۲ و ۳)
دانش آموز / معلم	صدرا	شهید مرتضی مطهری	معاد